

## عنوان مقاله:

قاعده قبح نقض غرض در کلام اسلامی

## محل انتشار:

فصلنامه آینه معرفت، دوره 9، شماره 3 (سال: 1388)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

## نویسنده:

محمدجواد دکامی - دانشگاه بوعلی سینا،

## خلاصه مقاله:

میان متکلمان و حکمای مسلمان در خصوص وجود یا عدم غایت و غرض در افعال باری تعالی اختلاف نظر وجود دارد. اشاعره وجود هرگونه غایت و غرض در افعال الهی را با کمال ذاتی او متعارض می دانند و آن را انکار می کنند. در مقابل، حکمای الهی و متکلمان عدلیه معتقدند که حضرت باری تعالی در افعالش غایت و غرض دارد و هیچ فعلی از او سر نمی زند مگر اینکه متوجه غایت و غرض خاصی باشد؛ اما در اینکه غایت و غرض در افعال الهی به چه کسی یا چه چیزی برمی گردد میان این اندیشمندان اختلاف نظر وجود دارد. متکلمان عدلیه معتقدند که غرض باید به غیر خدا برگردد تا او از هرگونه نقص و کاستی میرا باشد؛ اما حکما می گویند غرض باید به خود خدا برگردد تا با قاعده «العالی لا یتلفت الی السافل و لا یستکمل به» در تعارض نباشد. آنچه همه صاحب نظران بر آن اتفاق نظر دارند این است که «نقض غرض قبیح است»، زیرا منجر به اجتماع خواستن و نخواستن فعل واحد می شود که محال است. قاعده قباح نقض غرض» در کلام عقلی کاربرد زیادی دارد و کمتر قاعده ای از لحاظ کاربرد به پای این قاعده می رسد. اهمیت این قاعده تا بدان حد است که در تمام اصول دین از آن بحث می شود. اصل وجود غایت در افعال الهی در مباحث مربوط به توحید اثبات می شود و سپس به عنوان مقدمه در اثبات اصول دیگر یعنی عدل، نبوت، امامت و معاد به کار می رود.

## کلمات کلیدی:

غرض، لطف، حکمت، نبوت، امامت، معاد

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1294968>

